

جشن نوروز (خدیرایام) رسم و رسوم آن

نوشته: انور شاه گوهری

۳۰ مارچ ۲۰۲۶

نوروز جشن نیاکان و اجداد ما از سالیان متمادی در حوزه دو طرف دریای آمو شغنان بدخشان در افغانستان و شغنان بدخشان در تاجیکستان همه ساله در شروع سال نو خورشیدی تجلیل به عمل می آید، این جشن جهانی همه ساله در کشور های مختلف چون افغانستان، تاجیکستان به شمول کشورهای آسیای میانه، پاکستان، عراق، سوریه و سایر کشورها اعم از شرق و غرب تجلیل میگردد. این جشن بخاطر قدامت تاریخی اش در سال ۲۰۱۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه ئی اول حمل برابر با بیست و یک مارچ را به عنوان روز جهانی نوروز به ثبت رساند. قطعنامه نوروز به ابتکار نماینده گی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد و با همکاری جمهوری آذربایجان ، افغانستان ، تاجکستان ، ترکیه ، ترکمنستان ، قزاقستان و قرغیزستان آماده و به مجمع عمومی سازمان ملل ارایه شده بود. پس از چند سال تلاش پیگیر ایرانیان و ایرانی تباران در سراسر جهان سرانجام جشن بزرگ نوروز همزمان با اول حمل مصادف با بیست و یک مارچ به عنون روز جهانی نوروز در مجمع عمومی سازمان ملل به رسمیت شناخته شد. مجمع عمومی سازمان ملل سر انجام در روز چهار اسفند سال ۱۳۸۸ قطعنامه روز جهانی نوروز را در چارچوب ماده ۴۹ دستور کار خود و تحت عنوان فرهنگ

صلح به تصویب رساند و برای نخستین بار در تاریخ این سازمان نوروز را به عنوان یک مناسبت بین المللی به رسمت شناخت و بعد آن این جشن همه ساله بر علاوه بر کشور های حوزه نوروز در تمام جهان گرمیداشت به عمل می آید.

در شغنان نیز همه ساله برای سه روز از این جشن فرهنگی تجلیل به عمل می آید که روز اول آن با خانه تکانی یا (چدیر دند) شروع می شود با شروع صبح بعد از صرف چای صبح بچه های جوان و دختر های جوان تمام لوازم خانه از قبیل فرش و ظرف را از خانه بیرون میکنند و در مقابل آفتاب در چهار اطراف لب های بام خانه ها پهن می کنند و ظروف های خانه را در یک جای مناسب دورتر از خانه (چید) جابجا می کنند تا شروع (چدیر دند) آغاز گردد.

چدیر دند یا خانه پاکی با دو جاروب وطنی که یکی را سواره که جاروب را با یک چوب راست بسته میکند تا ساحات بلند داخل خانه (چید) را همراهی او با سهولت پاک کاری کنند و بعد از پاک کاری این جاروب را از روزنه (روز) به بیرون می اندازند تا به امید اینکه بلا های آسمانی را در آسمان غرق و نا پیدا کنند و جاروب دومی را بنام جاروب پیاده می نامند توسط آن گرد و خاک که از چت های خانه (وژوم) به سطح خانه یا زمین خانه ریخته اند جاروب میکنند و به این ترتیب از دوازه خانه آن را جاروب کرده بیرون میکنند و در یک جای مناسب می اندازند و به امید اینکه بلا های زمین را در زمین غرق و نا پیدا کنند.

جوانان ، نو جوانان و حتی مسن سفیدان در شروع روز اول عید نوروز یا خدیرایام تخم جنگی (ترمرخ دند و دند) آغاز میکنند که بعضاً اوقات این بازی بسیار جالب هم میشود که حتی چندین ساعت را در بر میگیرد. این تخم ها که نوع تخم جنگی یاد

می شوند از قبل تهیه و تدارک دیده می شوند و بعضی ها حتی این تخم ها را طبق خواست خود مهیا می سازند که بنام های تخم های زمچی یاد می شوند که هر کدام شان قیمت خاص خود را دارند تخم جنگی یا سرک یاد می شود که اگر سرک آن شکست این تخم قیمت خود را از دست میدهد اما ختم کار نیست با این تخم در دور دوم یا بعدی با پچک آن مسابقه می کنند و اگر پچک تخم جنگی نیز شکست هم از نظر کیفیت به پائین ترین حد خود میرسد و هم قیمت آن کاهش می یابد اما قیمت های آن در این سه دور متفاوت است ولی در نهایت برای بار سوم این تخم باز هم شامل مسابقه تخم جنگی می شود و این بار با قیچک آن مسابقه میدهند.

اگر تخم تازه و سالم باشد قیمت آن ده افغانی است و اگر سرک آن شکسته باشد به نصف قیمت یعنی پنج افغانی و اگر پچک آن نیز شکسته شود قیمت آن به دو افغانی تنزیل می یابد. این بازی یکی از بازی های بسیار دلچسپ و پر طرفدار جشن نوروز و خدیر ایام می باشد.

در قسمت دوم این خانه تکانی به خاطر زیبایی خانه (چید) را با آرد نقش و نگار می بندند و بسیاری در این نقش و نگار از رمه گوسفندان و بز ها با آرد رسامی می کنند که نماد فروانی مواشی در خانواده می باشد، که با این تزئینات خانه زیبا به نظر برسد و هم آرد که نماد خیر و برکت است در خانه جا گزین شود، استفاده می شود و با این نقش و نگار خانه از روشنی خاصی بر خوردار میگردد که توجه همه را به خود جلب میکند و این رسم و رواج عید نوروز (خدیر ایوم) که در ابتدای روز آغاز میگردد یک کمی کار مشکل است که از یکطرف گرد و خاک ودود

غلیظ دارد و از طرف دیگر پاک کاری یک کار فیزیکی است و به انرژی ضرورت احساس می شود.

بعد از خانه تکانی (چدیر ذند) تمام اعضای خانواده از خورد و بزرگ ، زن و مرد، دختر و پسر و پیر و جوان مطابق سن و سال شان یک خمچه یا شاخچه درخت بید که بنام (مَبَنک) یاد می شود ، را با یک دیزائن خاص تهیه میکنند و داخل خانه می شوند. ابتدا رئیس خانواده که بزرگ خانه می باشد داخل می شود و با گفتن "شاه گون بهار مبارک" وارد خانه شده و خانم که خانه تکانی کرده یک کاسه آرد در دست دارد با گفتن بر روی شما مبارک و آرد که نماد پاکی و برکت است بالای شانه راست اعضای خانواده می اندازد و به این ترتیب اعضای دیگر خانواده به نوبت داخل خانه میگردند و شاه گون بهار مبارک می گویند و از طرف کدبانو که کاسه آرد در دست دارد با جواب دادن بر روی شما مبارک آرد را بالای شانه های راست هریک مقداری می اندازد و چوب ها یا خمچه ها را در جایی مناسب می گذارند و این چوب ها در سقف خانه در بین دستک ها بالای ووس (دستک کلان خانه) جابجا می شوند و تا نوروز دیگر در همان محل نگهداری می شوند و در نوروز سال آینده از این چوب ها که بکلی خشک شده اند در پختن باج (دلده) استفاده می شود.

بخش سوم این برنامه کاچی که از طرف کدبانو خانه که از نوع غذا های مخصوص نوروزی (خدیرایام) میباشد تهیه شده به اعضای خانواده که با یک چوب دیزائن شده داخل خانه شدند و از طرف کدبانو استقبال شدند تعارف می شود و همه با شوق زیاد این غذای لذیذ را صرف میکنند ، این غذا یکی از غذا ها نوروزی است

که در روز اول عید نوروز یا (خدیرایام) از طرف خانم های خانه تهیه میگیرد به اعضای خانواده تعارف می شود مواد لازم این غذای نوروزی شامل آرد و روغن و نمک که بخاطر ذایقه آن استفاده می شود با یک مهارت خاص پخته میشود که پختن این نوع غذا کاری آسان نیست تنها کدبانو های که در پخت آن مهارت دارند تهیه می شود، و در جریان صرف آن یک اندازه روغن زرد نظر به ضرورت که روغن خوب داغ شده باشد در بالای آن انداخته شده و هر لقمه آن را در روغن غوطه ور کرده و نوش جان می کنند.

تهیه این نوع غذا که مایه خیر برکت است همه ساله در روز اول عید نوروز یا (خدیرایوم) تهیه می شود.

همچنان در روز اول عید نوروز (خدیرایوم) در ابتدای روز یک نفر از خانواده ها به دیدار همسایه هایی میروند که از عید نوروز گذشته تا عید نوروز فعلی اعضای خانواده خود را از دست داده باشند میروند تا در غم آنها شریک شده و جاروب های آن داغدارها را بسته کنند، میروند و رسم نیاکان خود را بجا می آرند و با آنها غمشریکی میکنند.

در ختم روز اول ابتدای شام بچه جوان ها با گرفتن چادر و یا تکه دراز بدون اینکه صاحب خانه آگاهی پیدا کند بر بام خانه او بالا شده و این چادر یا تکه دراز را از روزنه (رُوز) خانه به داخل خانه آن می اندازند و این بیات را بنام کلاه غزغز یاد می شود بر زبان می رانند.

نوروز شد و لاله و خوش رنگ برآمد
بلبل به تماشای دف و چنگ برآمد
مرغان هوا نعره زنند جمله به یک بار
مرغ دل من از قفس تنگ برآمد

روز نوروز است عالم سبز زار
زنگ دل را می ببرد باد بهار
ای صنم بر خیز نوروزی بده
تا تو را رحمت کند پروردگار

نوروز شد و جمله جهان گشت معطر
از بوی خوش و لاله و ریحان و صنوبر
بهرتخت ولایت نشست آن شاه صفر
داماد نبی شیر خدا و ساقی کوثر

باجک بیا کـــــــــــــــــرکر بکن
روغن بیا شـــــــــــــــــرشر بکن

چیزی بده رخصت بکن

به این ترتیب روز اول عید نوروز با پایان میرسد و همه گی با پختن غذا ها سنتی در خانه های خود با خانواده آن نوش جان میکنند و روز اول نوروز را به پایان میرسانند.

روز دوم عید نوروز با بازی های چون پهلوانی ، چوگان بازی ، توپ دنده ، تلک ، پنجاق بازی (سنجک) و شُلے بئبنت ، ولچک بئبنت و ایران آغاز میکنند. پهلوانی یکی از بازی کهن و تاریخی این سرزمین است که در هر مناسبت فرهنگی بین جوانان طور دوستانه آغاز می شود و میدان این بازی باید زمین ریگ زار و یا زمین شدگار شده و نرم باشد آغاز میگردد که جوانان با شوق و علاقه به مسابقه پهلوانی بین هم سن و سالان شان مسابقه می کنند.

نوع دوم بازی در بین جوانان در این روز مسابقه چوگان بازی است که دو تیم که تعداد مساوی باشند و نا محدود می باشند بین هم مسابقه می کنند این بازی زمان و تایم مشخص مانند بازی فوتبال ندارد امکان دارد در طول روز از شروع صبح الی عصر ادامه پیدا کند و الی اینکه شام شود و دیگر فضای برای انجام این مسابقه مساعد نباشد ، ادامه خواهد یافت .

این مسابقه با چوب که به شکل ال (L) و دارای دسته درازتر الی یک متر باشد صورت میگیرد و این چوب را بنام چوگان (چگون) یاد میکنند و معمولاً از چوب های سیب ، زردآلو و بعضاً درخت بید می باشد اما از درخت سیب و زردآلو معمولاً نسبت پایداری و کیفیت خوب ترجیح داده می شود و انتخاب می گردد.

بازی سوم که بین جوانان و نوجوانان حتی بزرگ سالان نیز در آن اشتراک میکنند، توپ دنده است که این بازی مثل کرکت است دو تیم بین هم مسابقه میکنند، اما برعکس کرکت اوfer و تعداد مشخص توپ ندارد بین تیم ها الی اوقات که زمینه برای بازی آن مساعد باشد، انجام می پذیرد.

این بازی با یک توپ دنده از چوب صاف و راست هفتاد سانتی الی یک متر و توپ از نوع پارچه های تکه و یا پشم ساخته میشود ، صورت میگیرد و افراد آن مثل بازی چوگان بازی نا محدود است اما باید مساوی باشند ، در این بازی یک نفر بحیث میر (یا تیم لیدر) تعیین می شود و متباقی اعضا می باشند. تیم لیدر یا میر حق پنج توپ را دارد و متباقی اعضا سه توپ استحقاق دارند. بازی طوری است که هر عضو بعد از انجام سه توپ مرده حساب می شود و اگر توپ توسط عضو دیگر آن به مسافه دورتر توسط دنده چوبی پرتاب شود مرده می تواند با دوش به محل جرجاگه (نقطه بیرق) رفته و دوباره به محل توپ دنده بدون اینکه توسط توپ هدف قرار بگیرد، بر گردد زنده محسوب شده و دوباره می تواند از دنده در پرتاب توپ استفاده کند. این بازی تا زمانی به تیم مقابل محول می شود که توپ توسط تیم مقابل در هوا گرفته شود یا با توپ عضو تیم مقابل مورد اصابت قرار گیرد انگاه بازی به تیم مقابل تحویل داده میشود.

بازی سوم که در ایام عید نوروز و یا (خدیرایوم) صورت میگیرد بزکشی است که این بازی هم بین دو تیم با تعداد اسپ های نا محدود صورت میگیرد ، در سابق این بازی در بین قرآء و قصبات شغنان به شکل انفرادی هر کس به نفع خود این بازی را پیش می بردند و هر کی بز را از بیرق عبور داده و به دایره هلال برساند

مستحق جایزه شناخته می شد ولی بعدها این بازی نیز شامل المپیک گردید و به شکل تیمی بازی می شود.

بازی دیگر این جشن پنجاق بازی (سنجک) است که بین نوجوانان و خاصاً دختران جوان و نوجوان انجام میگیرد و بازی طوری است که پنج داده سنگ به اندازه تشله را گرفته بین هم مسابقه می دهد که چندین ستیپ دارد تا با رسیدن آخرین ستیپ جانب مقابل را شکست دهد و مسابقه را به نفع خود اعلان کند.

بازی دیگر که در این عید نوروز (خدیرايوم) صورت میگیرد (خېمک بښنت) است که زمین در شش نقطه در پهلوئی هم به شکل یک پیاله خورد چقر می شود و چهار چهار دانه سنگ کوچک به اندازه سنگ سنجک بازی سهمیه هر نفر میباشد و بازی را شروع می کنند که هر کی سنگش خلاص شد بازنده میدان اعلان شده از بازی اخراج میگردد. اگر مسابقه بین شش نفر آغاز گردد یک یک اخراج شده تا بالاخره بین دو نفر در نهایت به خاطر کسب قهرمانی مسابقه ادامه پیدا میکند تا در نهایت برنده مسابقه اعلان شود.

بازی دیگر که زیاد مروج است خاصاً در بین دختر خانم ها رایج است (شلی بښنت) میباشد که به ترتیب خانه های ذیل در زمین نسبتاً سخت ترسیم می شوند و با یک سنگ به اندازه سرپوش یک چاینگ خورد بین چند نفر آغاز میگردد.

این بازی خانه های مانند چید ، دهلیز ، گیخ بن ، گیخک ، گیخ گهل ، سرای بن و سرای میباشد که از خانه اول یعنی چید آغاز می شود و آن سنگ را با لای خود از هر خانه عبور داده به بیرون انتقال گردد ولی یک سلسله نورم های میداشته باشد باید با احتیاط از آن عبور کرد.

بازی دیگر و یا آخری آن ولچهک بئبنت است که در بین دختر خانم ها و خانم که توانایی بازی را داشته باشند در جشن نوروز و آستون نبتید صورت میگیرد. این بازی با بستن یک ریسمان ضخیم و محکم بر شاخچه یی از درست چنار و یا سیب و همچنان هر درخت دیگر که ظرفیت و توانایی وزن را داشته باشد و هم زمینه برای آن بازی مساعد باشد انجام میگیرد و این بازی هم هیجان انگیز است و هم خطر آفرین اگر به موفقیت انجام شود خیلی لذت بخش است و اما اگر خدای نا خواسته ریسمان و یا درخت به مشکل دچار شوند خالی از خطر نخواهد بود ولی با انهم همه میدانند که این بازی چنین مشکلات را دارد ولی باز هم بازی را انجام میدهند.

در پهلوی این همه مسابقات پرهیجان مردم محل به دید و دید از اقارب و همسایه های خود در این روز می پردازند و از یک دیگر باز دید به عمل می آورند و از خوردنی های نوروزی مانند قماچ ، غوزمنجک و بروش (بُرُش) لذت میبرند و به یک دیگر سال نو و نوروز خجسته را با گفتن شاه گون بهار مبارک، تبریکات خود را تقدیم میدارند و صاحب خانه با گفتن بر روی شما مبارک جواب ارایه میدارند و درختم روز دوم شام با پختن باج (دلده) که یکی از غذای های معروف و خاص عید نوروز (خدیرایوم) می باشد آغاز میکنند. پختن این غذا یک اندازه زمان گیر بوده و مشکل می باشد و پختن آن به یک شخص مسلکی که در مورد تجربه داشته باشد ضرورت میباشد و یک سلسله قیودات خود را نیز دارد.

طرز تهیه این غذا ابتدا گوشت را خوب پخته میکنند و او را از آب جدا می کنند و بعداً دلده یعنی گندم جوکوب (ژیندم کهرک) از قبل آماده شده می باشد به آب

اضافه میکنند اما شرایط آن طوری است که از انداختن این گندم جو کوب به داخل آب الی اولین نقطه جوش آن از اشخاص حاضر در خانه کسی نه حق گپ زدن را دارد و نه حرکت کردن ، هیچ کس حق ندارد از شروع الی اولین نقطه جوش از یک جا به جای دیگر حرکت کند و نه حق دارد سخن بگوید همه باید ساکت و خاموش باشند حتی اگر هر دلیلی باشد قابل پذیرش نیست و نه پذیرفته میشود و بعد از اولین نقطه جوش حاضرین می توانند گپ بزنند و یا حرکت کنند این مراحل را بنام پچرومچ یاد می شود.

این غذا از ابتدای شام در یک دیگ کلان با شور دادن مسلسل پخته می شود و بعد این که خوب پخته شد همه آنرا با گوشت آن که شامل شکمبه ، کله و پاچه گوسفند میباشد در بین کوزه های گلی (سفالی) میریزند و در بین تنور بخاطرکه ذائقه خود را بدست آورد پائین می کنند و تا صبح صادق در تنور باقی می ماند و در شروع صبح با برخاستن از خواب اعضای خانواده دسترخوان پهن می شود و این غذا هموار می شود و واقعاً از لذت خاص خود بر خوردار می باشد که لذت آن در هیچ غذای محلی و منطقه ئی نظیر ندارد ، روز سوم جشن نوروز یا (خدیرایام) نیز با برگزاری مسابقات پهلوانی ، چوگان بازی ، توپ دنده ، بزکشی و تخم جنگی با پایان میرسد.

گرچه در مورد نوروز و جشن آن در نقاط دنیا مراسم های ویژه ئی دیگری بر پا می شود اما در شغنان به شکل عنعنوی موارد فوق انجام می گردد. ومن الله التوفيق

نوروز (خدیرایام) ۱۴۰۵

کابل - افغانستان